



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

زمان چاپ: ۱۴۰۲/۱۰/۲۰

شماره مجوز مجله: ۸۰۴۰۰

بررسی رابطه تفکر فلسفی، دینی و الهی با میزان خلاقیت در بین دانش آموزان

سهراب منصوری کلکه^۱

۱- دانشجوی کارشناسی آموزش الهیات دانشگاه فرهنگیان، پردیس شهید رجایی ارومیه

mansouriteacher2023@gmail.com

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه تفکر فلسفی، دینی و الهی با میزان خلاقیت در بین دانش آموزان متوسطه شهر قروه کردستان در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۳ انجام شد. روش پژوهش حاضر توصیفی از نوع همبستگی بود. در پژوهش حاضر جامعه آماری عبارت از تمامی دانش آموزان متوسطه شهر قروه کردستان در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۳ به تعداد ۶۲۷۰ نفر (۳۱۱۹ دختر و ۳۱۵۱ پسر) بود که از بین آنها و با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی - خوشه‌ای چند مرحله‌ای، تعداد ۲۵۸ نفر دانش آموز به عنوان اعضای نمونه آماری انتخاب شدند. بدین منظور از بین مدارس پسرانه شهر قروه ۳ مدرسه و از هر مدرسه ۳ کلاس (جمعاً: ۱۸ کلاس) به طور تصادفی انتخاب و در نهایت، تعداد ۲۵۸ نفر، به عنوان نمونه آماری پرسشنامه‌ها را به طور کامل تکمیل نمودند. لازم به ذکر است که به جهت رعایت اصول اخلاقی، پیش از شروع تکمیل پرسشنامه‌ها از شرکت‌کنندگان در پژوهش به صورت کتبی رضایت‌نامه دریافت شد. برای سنجش روایی پرسشنامه تفکر فلسفی، از روش اعتبار سازه استفاده شده که در این روش، نظر افراد متخصص در موضوع مورد مطالعه بررسی می‌شود. بنابراین، برای تعیین میزان همخوانی گویه‌ها با ویژگی‌های تفکر فلسفی، دینی و الهی بر اساس تشخیص متخصصان فلسفه و تعلیم و تربیت عمل شده است. همچنین، برای سنجش پایایی پرسشنامه تفکر فلسفی، دینی و الهی از روش آلفای کرونباخ استفاده شده است. ضریب آلفای کرونباخ به دست آمده برای این پرسشنامه توسط مرتضایی مقدم (۱۳۸۹) ۰/۷۳ بوده است. نتایج نشان داد رابطه تفکر فلسفی، دینی و الهی با میزان خلاقیت در بین دانش آموزان پسر مدارس متوسطه شهر قروه، هم در مطالعات پیشین چه در داخل کشور و چه در خارج از کشور در ابعاد مختلف تأیید شده، همان گونه که نتایج پژوهش حاضر دلالت می‌کند.

کلمات کلیدی: تفکر فلسفی، دینی، الهی، خلاقیت، دانش آموزان



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

مقدمه

آرزوی دیرینه هر جامعه‌ای پیشرفت و تعالی افراد آن جامعه و داشتن شهروندانی فرهیخته و اندیشمند است و بدیهی است که هر پیشرفتی در زمینه‌های مختلف از جمله فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی مستلزم داشتن افرادی متفکر و خلاق است که بتوانند تصمیمات درست را اتخاذ نمایند و برنامه‌ریزی صحیحی داشته باشند که این منوط به وجود نظام‌های آموزش و پرورش فعال و پویاست. پس به جرأت می‌توان گفت که هر پیشرفتی از نظام کارآمد و صحیح آموزش و پرورش جوامع نشأت می‌گیرد (مشهدگره، ۱۴۰۰).

در این راستا، رسالت مدرسه و آموزش و پرورش، آموزش فکر کردن است؛ زیرا اگر فراگیران در زمان اشتغال به تحصیل در مدرسه یا دانشگاه، فکر کردن را نیاموزند، چگونه می‌توانند به یادگیری ادامه دهند. از مسائل مهم و قابل بحث در باب تفکر، روش‌های تفکر است. روش‌های تفکر، زیربنای نظریه‌ها، قضاوت‌ها، داور‌ها، شناخت‌ها و جهان‌بینی‌ها است. طرز تفکر انسان، در بکار بستن اصول و قوانین زندگی او را یاری می‌نماید. یکی از روش‌های تفکر، تفکر فلسفی، دینی و الهی است. آنچه مسلم است، تعیین اهداف و به دنبال آن تعیین روش‌های اجرایی و ارزشیابی نتایج، بدون داشتن تفکرات و پایه‌های فلسفی، کاری سطحی و کم دوام خواهد بود. مکاتب فکری و فلسفی مختلف نحوه شکل‌گیری و وظایفی که مراکز آموزشی باید بر عهده گیرند را به صورت‌های مختلف بیان کرده‌اند (ایسیکفروه و ابالی اوزتورک^۱، ۲۰۲۲).

به اعتقاد هوریکوشی و کونو^۲ (۲۰۲۰)، بهتر است برنامه‌های درسی قدرت و توانایی استدلال و تفکر را در دانش‌آموزان تقویت نموده، به جای انباشتن حقایق و عقایدی که پیشینیان بیان نموده‌اند، تقویت تفکر فلسفی، دینی و الهی را در آنان مورد توجه قرار داده و بر توانایی دستیابی به دانایی و آگاهی تأکید نمایند. تفکر فلسفی، دینی و الهی برای دانش‌آموزان برای این به میدان آمده است که روحیه پرسشگر را ابتدا زنده نگه‌دارد و سپس به آن جهت دهد و آن را بپروراند. در واقع، تفکر فلسفی، دینی و الهی برای دانش‌آموزان، فرایند فلسفی مشابه پرسش‌های سقراطی است که افراد را تشویق می‌کند پرسش‌های مدنظر خود را طرح کنند و در فضایی پرسش‌گرانه، توانایی خود را درباره موضوع به چالش کشیده شده، عمیق‌تر کنند (شاهسوند مارکده و حدودی، ۱۴۰۰). بنابراین، عوامل مؤثر و مرتبط با تفکر فلسفی، دینی و الهی دانش‌آموزان باید شناسایی شوند. در این بین، میزان خلاقیت و مهارت‌های تفکر خلاق، عامل اساسی موفقیت در یادگیری به شمار می‌رود. این مهارت‌های کلیدی باید در همه موضوع‌های درسی رواج پیدا کنند. رواج دادن میزان خلاقیت و تفکر خلاق روشی قدرتمند برای درگیر کردن دانش‌آموزان به امر یادگیری است (پولگار^۳، ۲۰۲۱).

بر این اساس، امروزه محققان براین باورند که شناخت پدیده میزان خلاقیت نه تنها از نظر آموزشی اهمیت زیادی دارد بلکه یکی از اساسی‌ترین موضوعات آموزشی دنیای معاصر است. بنابراین نه تنها استفاده از میزان خلاقیت در آموزش امری ضروری است بلکه به کارگیری ای جدید محققان در سامانه‌های آموزشی و مراکز و مؤسسات تولیدی و خدماتی که سطح عملکرد خلاق افراد را بالا می‌برد هم از اهمیت بسیاری برخوردار است (سرگزی، ۱۴۰۰). بنابراین، اهمیت شناسایی عوامل مرتبط با تفکر فلسفی، دینی و الهی دانش‌آموزان برای نظام آموزشی، باعث شد تا این پژوهش با هدف بررسی رابطه تفکر فلسفی، دینی و الهی با نقش واسطه‌ای میزان خلاقیت در بین دانش‌آموزان انجام شود. از آنجا که یادگیری از عوامل مهم در کیفیت عملکرد دانش‌آموزان به حساب می‌آیند و این موضوع می‌تواند نقش اساسی در تفکر فلسفی، دینی و الهی و میزان خلاقیت دانش‌آموزان داشته باشد، مسأله مهم این است که آیا چنین متغیرهایی می‌توانند در به وجود آوردن تفکر فلسفی، دینی و الهی دانش‌آموزان مفید باشند. بر این اساس، این پژوهش درصدد پاسخگویی به این سؤال است که چه رابطه معنادار آماری بین تفکر فلسفی، دینی و الهی با میزان خلاقیت دانش‌آموزان وجود دارد؟

^۱ - Işıklar & Abalı Öztürk

^۲ - Horikoshi & Kono

^۳ - Pulgar



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

روش پژوهش

روش پژوهش حاضر توصیفی از نوع همبستگی بود.

جامعه، نمونه، و روش نمونه‌گیری

در پژوهش حاضر جامعه آماری عبارت از تمامی دانش آموزان متوسطه شهر قروه کردستان در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۳ به تعداد ۶۲۷۰ نفر (۳۱۱۹ دختر و ۳۱۵۱ پسر) بود که از بین آنها و با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی - خوشه‌ای چند مرحله‌ای، تعداد ۲۵۸ نفر دانش‌آموز به عنوان اعضای نمونه آماری انتخاب شدند. بدین منظور از بین مدارس پسرانه شهر قروه ۳ مدرسه و و از هر مدرسه ۳ کلاس (جمعاً: ۱۸ کلاس) به طور تصادفی انتخاب و در نهایت، تعداد ۲۵۸ نفر، به عنوان نمونه آماری پرسشنامه‌ها را به طور کامل تکمیل نمودند. لازم به ذکر است که به جهت رعایت اصول اخلاقی، پیش از شروع تکمیل پرسشنامه‌ها از شرکت‌کنندگان در پژوهش به صورت کتبی رضایت‌نامه دریافت شد.

ابزارها

الف) پرسشنامه تفکر فلسفی، دینی و الهی

این پرسشنامه توسط سلطانی در سال ۱۳۸۵ طراحی و اجرا شده است. پرسشنامه دارای ۳۲ ماده است و بر اساس طیف پنج درجه‌ای لیکرت (کاملاً موافق ۵ نمره، موافق ۴ نمره، بی نظر ۳ نمره، مخالف ۲ نمره و کاملاً مخالف یک نمره) نمره‌گذاری می‌شود. این پرسشنامه دارای سه بعد ۱-جامعیت، ۲-تعمق و ۳-انعطاف‌پذیری می‌باشد که برای هرکدام از این ابعاد سؤالاتی به صورت بسته پاسخ در نظر گرفته شده است (مشهدگره، ۱۴۰۰). شیوه نمره‌گذاری سؤالات پرسشنامه (جامعیت: ۱، ۲، ۳، ۵، ۶، ۷، ۸، ۱۳، ۳۰)، و (تعمق: ۴، ۱۰، ۱۱، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۹، ۲۳، ۲۶، ۲۷، ۲۹، ۳۲) و (انعطاف‌پذیری: ۹، ۱۲، ۱۷، ۲۱، ۲۰، ۱۸، ۲۴، ۲۵، ۲۸، ۳۱). برای سنجش روایی این پرسشنامه، از روش اعتبار سازه استفاده شده که در این روش، نظر افراد متخصص در موضوع مورد مطالعه بررسی می‌شود. بنابراین، برای تعیین میزان همخوانی گویه‌ها با ویژگی‌های تفکر فلسفی، دینی و الهی بر اساس تشخیص متخصصان فلسفه و تعلیم و تربیت عمل شده است.

همچنین، برای سنجش پایایی پرسشنامه تفکر فلسفی، دینی و الهی از روش آلفای کرونباخ استفاده شده است. ضریب آلفای کرونباخ به دست آمده برای این پرسشنامه توسط مرتضایی مقدم (۱۳۸۹) ۰/۷۳ بوده است. همچنین، زکی (۱۳۸۷) برای سنجش پایایی این پرسشنامه از آزمون-آزمون مجدد استفاده کرده که ضریب همبستگی ۰/۶۸ بدست آمده است (به نقل از مشهدگره، ۱۴۰۰).

روایی و پایایی این پرسشنامه به طور مجدد در این پژوهش، به ترتیب با استفاده از تحلیل گویه و ضریب آلفای کرونباخ، جامعیت، ۰/۷۲ و تعمق، ۰/۷۰ و انعطاف‌پذیری، ۰/۶۹ برآورده شده است.

ب) پرسشنامه میزان خلاقیت

این پرسشنامه توسط ژائو در سال ۲۰۱۲ طراحی و اجرا شده است. پرسشنامه دارای ۱۳ ماده است و بر اساس طیف پنج درجه‌ای لیکرت (کاملاً مخالفم، نمره ۱؛ مخالفم، نمره ۲؛ نظری ندارم، نمره ۳؛ موافقم، نمره ۴؛ کاملاً موافقم، نمره ۵) نمره‌گذاری می‌شود. این پرسشنامه دارای سه بعد ۱-ارائه و پیشنهاد راه‌حل‌های جدید و خلاقانه، ۲-ریسک‌پذیری و ۳-ترویج روش‌ها و اندیشه‌های جدید می‌باشد (منتظریان، ۱۳۹۴).

شیوه نمره‌گذاری سؤالات پرسشنامه (ارائه و پیشنهاد راه‌حل‌های جدید و خلاقانه: ۱ تا ۶)، و (ریسک‌پذیری: ۷ تا ۹) و (ترویج روش‌ها و اندیشه‌های جدید: ۱۰ تا ۱۳). برای سنجش روایی و پایایی این پرسشنامه، ابتدا پرسشنامه میزان خلاقیت، به زبان



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

فارسی برگردانده شد و پرسشنامه فارسی مجدداً در اختیار یک مترجم دیگر قرار داده شد و به زبان انگلیسی برگردانده شد و با متن اصلی مقایسه شد که تناقضی بین متن ترجمه شده و اصلی وجود نداشت. سپس برای تأیید روایی صوری به ۵ نفر از اساتید گروه علوم تربیتی و روانشناسی داده شد.

آن‌ها در پاسخ به این سؤالات که تا چه حد این آزمون برای سنجش میزان خلاقیت تحصیلی مناسب است، روایی صوری و محتوایی آنرا تأیید کردند. همچنین، برای سنجش پایایی این پرسشنامه از روش آلفای کرونباخ استفاده شد. ضریب آلفای کرونباخ به دست آمده برای کل سؤالات این پرسشنامه برابر با ۰/۸۶ و برای ابعاد آن بین ۰/۸۰ تا ۰/۸۵ بدست آمد (منتظریان، ۱۳۹۴).

روایی و پایایی این پرسشنامه به طور مجدد در این پژوهش، به ترتیب با استفاده از تحلیل گویه و ضریب آلفای کرونباخ، بررسی شد که نتایج (ارائه و پیشنهاد راه‌حل‌های جدید و خلاقانه: ۰/۸۳ و (ریسک پذیری: ۰/۸۲) و (ترویج روش‌ها و اندیشه‌های جدید: ۰/۸۴) برآورد شد.

نتایج

برای بررسی رابطه تفکر فلسفی، دینی و الهی با میزان خلاقیت در بین دانش‌آموزان مدارس متوسطه شهر قروه، ابتدا به ویژگی‌های نمونه آماری می‌پردازیم که نتایج نشان می‌دهد که از ۲۵۸ نفر نمونه آماری شرکت کننده در پژوهش حاضر، تعداد ۱۲۵ نفر (۳۵/۷۱ درصد) در پایه دهم، تعداد ۱۴۲ نفر (۴۰/۵۷ درصد) در پایه یازدهم و تعداد ۸۳ نفر (۲۳/۷۲ درصد) نیز در پایه دوازدهم مشغول به تحصیل بوده‌اند.

بنابراین اطلاعات جدول گویای آن است که بیشتر پاسخگویان در پایه یازدهم مشغول به تحصیل بودند. در ادامه به یافته‌های استنباطی می‌پردازیم، که ابتدا جهت بررسی نرمال بودن توزیع داده‌ها از آزمون کالوموگروف-اسمیرنف استفاده گردید که نتایج حاصله در جدول زیر نشان داده شده است.

جدول شماره ۱ نتایج آزمون کالوموگروف-اسمیرنف در خصوص وضعیت نرمال بودن توزیع داده‌ها

متغیر	تعداد	مقدار کالوموگروف-اسمیرنف	معناداری
تفکر فلسفی، دینی و الهی	۲۵۸	۰/۶۷۵	۰/۷۰۴
میزان خلاقیت	۲۵۸	۱/۲۲۳	۰/۲۴۲

نتایج حاصله از جدول ۱ نشان می‌دهد که سطح معناداری متغیرهای پژوهش بیشتر از ۰/۰۵ می‌باشد. بنابراین، می‌توان گفت که توزیع داده‌ها، نرمال است.

برای پاسخگویی به سؤال اول: میزان تفکر فلسفی، دینی و الهی دانش‌آموزان دوره متوسطه شهر قروه چه اندازه هست؟ از آزمون آماری تی تک نمونه‌ای با استفاده از نرم‌افزار آماری *Sps* نسخه ۲۲، استفاده شد که نتایج آن در جدول ۲ بیان شده است.

جدول ۲ وضعیت تفکر فلسفی، دینی و الهی دانش آموزان

متغیر	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین معیار (۳)	مقدار t	درجه آزادی	سطح معناداری
تفکر فلسفی، دینی و الهی	۲۵۸	۲/۸۱	۱/۵۰۲	۳	۱/۰۲	۳۴۹	۰/۲۱۰

بر اساس جدول ۲ بر اساس دیدگاه دانش آموزان دوره متوسطه شهر قروه، میانگین تفکر فلسفی، دینی و الهی (۲/۸۱) پایین تر از میانگین معیار (۳) ارزیابی شده است، و بر اساس مقدار t به دست آمده در درجه آزادی ۳۴۹ تفاوت معناداری بین این دو میانگین به دست نیامد. این یافته‌ها به آن معنا است که از دیدگاه دانش آموزان دوره متوسطه شهر قروه، میزان تفکر فلسفی، دینی و الهی آنها، پایین تر از حد متوسط می‌باشد.

برای پاسخگویی به سؤال دوم: بین میزان خلاقیت و تفکر فلسفی، دینی و الهی دانش آموزان چه رابطه معنادار آماری وجود دارد؟، از ضریب همبستگی پیرسون با استفاده از نرم افزار آماری SPSS نسخه ۲۲، استفاده شد که نتایج آن در جدول ۳ بیان شده است.

جدول ۳ نتایج ضریب همبستگی پیرسون بین میزان خلاقیت و تفکر فلسفی، دینی و الهی دانش آموزان

متغیرها	تفکر فلسفی، دینی و الهی
ضریب همبستگی	۰/۴۰۵
سطح معناداری	۰/۰۰۰۱
تعداد	۲۵۸

بر اساس جدول ۳ مشاهده می‌شود که ضریب همبستگی بین میزان خلاقیت و تفکر فلسفی، دینی و الهی دانش آموزان، برابر با ۰/۴۰۵ می‌باشد که در سطح ۰/۰۰۰۱ همبستگی معنادار وجود دارد.

بحث

همان گونه که ذکر شد رابطه تفکر فلسفی، دینی و الهی با میزان خلاقیت در بین دانش آموزان پسر مدارس متوسطه شهر قروه، هم در مطالعات پیشین چه در داخل کشور و چه در خارج از کشور در ابعاد مختلف تأیید شده، همان گونه که نتایج پژوهش حاضر دلالت می‌کند. یافته‌های تحقیق حاضر با تحقیقات خسروی، خسروی و شیخی (۱۴۰۱)؛ شاهسوند مارکده و حدودی (۱۴۰۰)؛ سرگزی (۱۴۰۰)؛ غلامی و لکزایی (۱۳۹۷)؛ گوندیک (۲۰۲۱) و ماسی و سانتی (۲۰۱۶) همسو می‌باشد. در میزان خلاقیت، توانایی پرورش یا به وجود آوردن یک انگاره یا اندیشه جدید مطرح است. میزان خلاقیت ارتباط مستقیمی با قوه تخیل یا توانایی تصویرسازی ذهنی دارد که در راستای یافتن راه‌های جدید برای انجام دادن بهتر کارها به کار گرفته می‌شود. از این منظر، اشکال کاملاً متفاوت میزان خلاقیت، دیگر به تنهایی ماهیتی فردی ندارد و بدون تعامل با فناوری‌ها و ساختارهای علمی، اجتماعی و فرهنگی به وجود نمی‌آید (لاسینگ، ۲۰۲۰).

در تبیین این یافته‌ها و با توجه به پاسخ نمونه مورد مطالعه، زمانی که در مدارس دوره متوسطه با روش‌های جدید آموزشی



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

مورد تعلیم و تربیت قرار بگیرند، درگیری و تلاش دانش‌آموزان در امر تحصیل بیشتر می‌شود. بنابراین، زمانی که در مدارس، فضایی نو همراه با دسترسی به منابع فراوان برای دانش‌آموزان فراهم کرد که در این محیط دانش‌آموزان بتوانند با توجه به علایق و نیازهای خود در آن جستجو کنند، زیرا میزان خلاقیت، فرآیندی است که پذیرای تفکرات نو و بدیع است. برای دستیابی به چنین مقصودی، دانش‌آموزان نیازمند فضای باز با قابلیت دسترسی به اطلاعات متنوع بی‌شمار هستند تا بتوانند تفکرات و ایده‌های گذشته را به چالش بکشند و با جامعیت و تعمق بیشتر، حرفی نو و ایده‌های تازه برای ارائه کردن داشته باشند. با توجه به وجود چنین شرایطی، می‌توان نتیجه گرفت که بین میزان خلاقیت و تفکر فلسفی، دینی و الهی دانش‌آموزان رابطه مثبت و معناداری وجود دارد و هرچه میزان میزان خلاقیت دانش‌آموزان بیشتر باشد، توانایی آنان در تفکر فلسفی، دینی و الهی افزایش خواهد یافت.

وظیفه نظام آموزشی است که در خصوص تفکر فلسفی، دینی و الهی برنامه‌ریزی کند و تک تک انسان‌ها را از جزئی‌نگری به کل‌نگری، از سطحی‌نگری به ژرف‌اندیشی و از کلیشه‌ای فکر کردن به انعطاف‌پذیری در تفکر سوق دهد (اوپینیانو و همکاران، ۲۰۲۲). به نظر نلر قبل از هر چیز مدیران و معلمان می‌توانند، دانش‌آموزان را به داشتن اندیشه‌های بکر تشویق کنند. بسیاری از جوانان به طور طبیعی مستعد پذیرش اندیشه‌های تازه هستند. نظام آموزشی باید تلاش کند نگرش‌های محافظه‌کارانه و قراردادی را در آنها اعتدال بخشد. اگر بخواهیم طرز تفکر فلسفی، دینی و الهی را در دانش‌آموزان پرورش دهیم، باید آنها را تشویق کنیم، آزادانه نظر خود را ابراز کنند تا با ذهنی بارور با مطالعات و یافته‌ها مواجه شوند و آموخته‌های خود را به گونه‌ای وسیع‌تر به کار گیرند (رمضانی شیخی، ۱۴۰۰).

فلسفه برای کودکان از برنامه‌های آموزشی است که این امکان را فراهم می‌آورد تا کودکان و نوجوانان افکار پیچیده خود را شکل دهند. از این رهگذر، استدلال، تفکرات انتقادی و خلاقانه و نوع دوستی آنها نیز افزایش می‌یابد. فلسفه برای کودکان هدف‌های شناختی روشنی دارد؛ ذهن را وادار به عمل می‌کند، این کار را از طریق چالش‌ها، تفکر اصولی و تعامل ساختاری انجام می‌دهد. به علاوه این برنامه هدف اجتماعی نیز دارد و آن آموزش فرایند تصمیم‌گیری دمکراتیک است. این برنامه در پرورش مشارکت منظم و خودآگاهی کودکان سهمی قطعی دارد (هوریکوشی و کونو، ۲۰۲۰).

به اعتقاد دیمنه (ترجمه رفیعی‌مهرآبادی، ۱۳۹۸: ۲۱۴) مدارس امروز تنها بر روی مهارت‌های خواندن و نوشتن و حساب کردن تأکید می‌ورزند در حالی که این مهارت‌ها ذاتاً ارزش ندارند و از نظر تعلیم و تربیت تهی از فضیلت هستند و برای اصلاح و بهبود چنین وضعیتی خصیصه‌هایی همچون تعدل در برنامه، استقلال فکری، صورت‌بندی مسائل، پرورش حواس، علاقه به موضوع درسی، تعادل در تدریس و پرورش تفکر فلسفی، دینی و الهی و انتقادی را باید تقویت کرد. در تبیین این یافته و بر اساس پاسخ‌های داده شده می‌توان گفت از آنجا که برنامه‌ریزی و طرح مدون و قوی مبنی بر پرورش تفکر فلسفی، دینی و الهی در مدارس دوره متوسطه شهرستان قروه وجود ندارد و برخی از برنامه‌هایی که با هدف تربیت افراد متفکر پی‌ریزی می‌شود، متأسفانه فقط در جلسات و همایش‌ها به آن پرداخته می‌شود و اجرا، نظارت و ارزیابی این برنامه‌ها که می‌بایست در خانواده، مدارس و دانشگاه‌ها صورت گیرد، انجام نمی‌شود.

در نتیجه، واضح است زمانی که برای پرورش تفکر فلسفی، دینی و الهی و تربیت افراد متفکر هیچگونه تلاش جدی در خانواده و مدارس کشور صورت نگیرد، دانش‌آموزان نیز دارای مهارت‌های تفکر فلسفی، دینی و الهی نباشند. بنابراین، دور از انتظار نیست که میزان تفکر فلسفی، دینی و الهی دانش‌آموزان دوره متوسطه شهر قروه، پایین‌تر از حد متوسط برآورد شده است. از جهت دیگر، در شرایط کنونی، که انسان با مسائل پیچیده مواجه است و هر لحظه نیازمند تصمیم‌گیری در شرایط بحرانی است نیاز به تفکر امری ضروری و حیاتی است، ولی مدارس امروز تنها بر روی مهارت‌های خواندن و نوشتن و حساب کردن تأکید می‌ورزند در حالی که این مهارت‌ها ذاتاً ارزش ندارند (دیمنه، ترجمه رفیعی‌مهرآبادی، ۱۳۹۲: ۲۱۴). با استناد به این نظر می‌توان گفت دانش‌آموزان دوره متوسطه شهر قروه از دوره ابتدایی که وارد مدرسه می‌شوند، بیشتر معلمان یک روند



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

تدریس کتاب درسی و در پایان نیز گرفتن امتحان از دانش‌آموزان و دادن یک نمره که نمایان‌گر وضعیت دانش‌آموز در یک درس می‌باشد، را در پیش می‌گیرند.

در این فرآیند نیز بیشتر دانش‌آموزان تنها با بسنده کردن به محتوای کتب درسی، بیشتر تلاششان را برای خواندن مطالب درسی در جهت کسب نمره بهتر انجام می‌دهند. در اینجا، فرصت کندوکاش، بحث گروهی، استدلال و استنباط و تجزیه و تحلیل مطالب در کلاس درس برای دانش‌آموز مهیا نمی‌شود، چون آنان تنها به فکر کسب نمره هستند تا اندیشیدن ژرف و عمیق. در نتیجه، دانش‌آموزانی که مسائل درسی را به طور سطحی ببینند و جنبه‌های مختلف مسائل درسی را بررسی نمایند، به جامعیت موضوعات اشراف نداشته و توانایی تعمق کمتری دارند. بنابراین، زمانی که دانش‌آموزان توانایی تجزیه و تحلیل و تعمق کمی در مسائل داشته باشد، توانایی تفکر انتقادی آنان نیز پایین می‌باشد. به این دلایل، میزان تفکر فلسفی، دینی و الهی دانش‌آموزان دوره متوسطه شهر قروه، پایین‌تر از حد متوسط بوده است. هر پژوهشی با محدودیت‌هایی روبرو می‌باشد که از این محدودیت‌ها می‌توان اشاره کرد به جنسیت دانش‌آموزان و پایه تحصیلی به سایر شهرها با احتیاط انجام شود و عدم دسترسی به پرسشنامه‌های ایرانی اشاره کرد.

تشکر و قدردانی

با سپاس فراوان از دانش‌آموزان عزیزی که در انجام این پژوهش نهایت همکاری را به عمل آوردند.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

منابع

۱. خسرویم، خسرویم، شیخی س. ۱۴۰۱. پرورش تفکر خلاق را از راه مهارت‌های گفتگو بر بنیاد فلسفه برای کودکان. <https://civilica.com/doc/۱۴۴۹۹۷۳>
۲. رضایانی شیخی ن. ۱۴۰۰. رابطه تفکر خلاق و تفکر انتقادی با ذهنیت فلسفی دانش آموزان دوره ابتدایی شهرستان دلفان در سال تحصیلی ۹۹-۴۰۰، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور استان همدان.
۳. سرگزی س. ۱۴۰۰. بررسی تأثیر ذهن فلسفی بر میزان خلاقیت دانش آموزان ابتدایی آموزش و پرورش شهرستان زهک، هشتمین همایش ملی تازه‌های روانشناسی مثبت، بندرعباس.
۴. شاهسوند مارکده ع. حدودی ع. ۱۴۰۰. بررسی اثربخشی رویکرد تدریس مبتنی بر فلسفه برای کودکان بر رشد میزان خلاقیت و سازگاری اجتماعی دانش آموزان پایه چهارم، اولین کنفرانس بین المللی علوم تربیتی، روانشناسی، علوم ورزشی و تربیت بدنی، ساری.
۵. غلامی ک. لکزایی آ. ۱۳۹۷. بررسی نقش آموزش تفکر فلسفی، دینی و الهی بر میزان خلاقیت و کاهش آسیب‌های اجتماعی کودکان، کنفرانس ملی دستاوردهای نوین جهان در تعلیم و تربیت، روانشناسی، حقوق و مطالعات فرهنگی اجتماعی، تهران.
۶. مشهدگره ز. ۱۴۰۰. تأثیر آموزش مهارت‌های تاب‌آوری مبتنی بر معنویت اسلامی بر ذهنیت فلسفی و تفکر انتقادی در دانش آموزان دختر متوسطه دوره دوم شهر اراک، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور استان مرکزی.
۷. Horikoshi, Y. & Kono, T. (۲۰۲۰). Philosophical Practices in Japan from School to Business Consultancy. *Philosophical Practice and Counselling*. ۱۰(۱): ۵-۳۳.
۸. Işıklar, S. & Abalı Öztürk, Y. (۲۰۲۲). The Effect of Philosophy for Children (P4C) Curriculum on Critical Thinking through Philosophical Inquiry and Problem Solving Skills. *International Journal of Contemporary Educational Research*, ۹ (۱): ۱۳۰-۱۴۲.
۹. Lassing, C. (۲۰۲۰). A typology of student creativity: creative personal expression, boundary pushing and task achievement. *Thinking Skills and Creativity*. ۳۶: ۱۰۰۶۵۴.
۱۰. Masi, D. D. Santi, M. (۲۰۱۶). Learning democratic thinking: a curriculum to philosophy for children as citizens. *Journal of Curriculum Studies*. ۴۸(۱): ۱۳۶-۱۵۰.
۱۱. Pulgar, J. (۲۰۲۱). Classroom creativity and students' social networks: Theoretical and practical implications. *Thinking Skills and Creativity*. ۴۲: ۱۰۰۹۴۲.